

میران خیابان لاله زار نمره (۵)

شرکت آفاق

ساحب امتیاز مؤید المالك

مدیر مبدع خان مؤید دیوان

مردانم هتفه سوای جمه که تسلیل است

هر شب طبع و هر صبح توزیع میشود

۴ شنبه ۱۷ جدای الاول ۱۳۲۶

مکالمی که اداره فرستاده میشود

ساحبان حق استرداد ندارد

نیمه تلفون ۸۸

# صدفنا

می ۲۵  
می ۱۳

سه ماهه شش ماهه یکساله

طهران (۱۱) ۲۲ ۴۰ قران

ولایات داخله ۴۵ قران

قنقاز و روم ۱۰ شات

عالمک خارجه ۳۰ فرک

در طهران قیمت (یک نسخه) صد دینار

در سایر ولایات سه شاهی

اجرت اعلانات سطره ده شاهی

سوی حکم الله بالخیر والمالیه

این روزنامه از هر قید آزاد حوادث را پوه بیوم میرساند خلاصه اخبار مجلس و بدیده و تلگرافات داخله و خارجه را انتشار میدهد مقالات عام القمه با امداد کافی پذیرفته و تعلیمات بوزارتخانه ها را خلاصه بدیده قبول و فزج و تحصیل جواب نموده بساحتش میرساند

## خبر

ولی چه خبر خبری که قلم از نوشتن شرم می دارد خبری که کاغیذ از قبولش ازرم می نسیاید خبری که صرف یادشاهان با فر و شان و سکبان و سامانیان را بیادنا میدهد خبری که حال سلف نهمه نازنین ایرانیان عالم سعاد خبری که عالم را بنجر دستامع مقاصف خواهد کرد خبری که هیچ کس منتظر وقوعش نبود خبری که اصدی تصور وقوع چنین واقعه را نمی آدوفه خبری که چندین ماده از مواد قانون اساسی را نقض صکرده خبری که قلم بطلان بسند حیات ملت ایران کشیده خبری که آخرین امتحان ایرانیان میباشد خبری که مہبت و عدم اہمیت ایرانیان را بر عالم بیان معلوم می سازد ان خبر کدام است این است پس از این که در این دو سال جبر و طیبت مظلومیت ایرانیان پانہیا درجه رسید بر تمام عالم و علما ان مدلل گردید غفای پای تحت و اشراف ملکیت و اعزاز قابل سلطنت و خبر خواہان دولت و ملت در شاہ جناب عبدالملك محتج شد پس از متاوره چنین سلاح دیدید عده را که از اہم سورتن دیو سیرت که زنی وار دور ارنیک سلطنت را صکرده شہطان صفت قلب پادشاه حلول کرده اعلمحضرترا الب استقلال و اقتدار خود فرآداده برآدہ خویش می نوع مخصوص استبداد حرکت می دادند و پوسل خودشان بر کاری مایل بودند باز میداشتند ان اصحاب

از دور شاه تہبید شود کسان خیر خواہ بی غرض عوض آنها بخدمت اعلمحضرت منصور گردید بنابر این (سلاح دید و تصویب خود را برض ملوکا پی رسانیدہ با کمال تقصیر تہبید بعضی اشخاص را از پیشکاه او کالای تہبیدنا نموده و شمنہ و عده تہبید صحت گردید و علی الظاہی استدعای اشراف بتمام اجابت رسید عہد جدید بسته شد برای ملت از این مرحبت کمال امید واری حاصل آمد ولی بد بختانہ دو روز فاصلہ نتیجتاً بہتکس بخشید روز بعد اعلمحضرت بیک حرکت محیر العقول عنایت باغ شاه فرودید و ایر بہادر که یکی از تہبید شدہ صکان بود و در سفارت روس متحصن شدہ بود

در باغ شاه شرفیابی حاصل نمود (شاہنشہ) متبر مشار کس گردید مناخر الملك باغی درجه عنزت رسید حکمتا سایرین در عوض آنها جلال الدولہ علاء الدولہ سردار منصور که عہد صالح و جدآ اتحاد دولت و ملت رامیکردند بخلاف قانون اساسی محبوس و تہبید شدہ اعلمحضرت بدون بروز تغییر و جنابت بی اطلاع وزیر مسؤل رئیس تلگراف خطہ و حکام شهر را مہزول و دیکری را بجای آنها منصوب فرودید از این کلماتی و نقض قانون پادشاه ملت بہجان آدودہ بہجدید بہبالار جمع شدید بوسدود چاره درد خویش بر آدودید در این موقع مفسدین و مفسدین این اجتماع را اجتماع الارضی خوانندہ کنی

هرج و مرج طلب بقی داده از طرف اعلیحضرت خمالپ  
بجلاس مقدس ( اقی مایوم ) سخت شد که نادر ساعت  
خالصه این اجتماع متفرق شوند بنا بر این حضرات علماء  
اعلام و وکلای محترم بمسجد سهیلالار تشریف فرما  
گردیده مردم را متفرق گردید بوعده جیران و اسودکی  
ابدی بملت دادند محض اطاعت امر ملت متفرق گردیدند  
ولی روز اول صکه بعضی از بازارها باز بود از فردا به  
کای بسته و تعطیل عمومی نمودند از ولایات هم خبر تعطیل  
عمومی تلگرافا آمده باکالی حرارت مشغول مختاریات هستند  
و وکلاء اتصالاً مشغول اقدامات میباشد و اعلیحضرت هایونی  
در باغ شاه جلوس فرموده اردوئی مرکب از دوسه هزار  
قهر در همان جا تشکیل دادند همسایه شمالی و جنوبی هم  
یک باکالی نشاط در یک بلندی نشسته پاهایت شیطنت در  
کار بهم زدن ویا دورین ادراک مشغول نگاه کردن  
هستند و منتظر وقت که مشغول بهای گیری شیوند از  
این اختلاف نتایج عالیه ببرند بدست خود ایرانیان و  
پادشاه ایرانیان سند استقلال ایران بدست خویشین گیرند  
و مانند مصر تشریف فرما شده ایران را هم منظم نمایند  
و انگاه مثل پدر مهربان این ملت موریاتی نمائند چنانچه  
بملایفه هنود و قفقازیان مهربانی ها کرده و آنها را تربیت  
نموده اند ایرانیان را هم ان نوع تربیت سازند  
و همان طوری که در حق راجکان هند ملاطفت نمودند  
در حق پادشاه ایران هم ملاطفت نمایند هزاران ( پول  
کیهک ) مایور محافظت پادشاه بکنند هزاران پاسول روس  
برای پاسولی موقع سواری مایور رکاب هایونی سازند  
اجتبار مایه ایران بلکه یک قلمه از قلمت روسیه را بدست  
اعلیحضرت بدهند که هر طور میل اعلیحضرت اقتضا  
کنند ممول دارند برای هر کس هر چه خواست حقوق  
حرفه فرماید بهر که انعام خواست بدهد بدهد حدی نه برای  
اجتبارتشی و نه میزانی برای اقتدارانش و لاخره داری همان  
اجتبارتی سکرد که سایر سلاطین مملوک دارا می  
باشند صاحب همان اقتدارتی شود که راجکان هند شدند  
هر در حال اگر چه در این مدت آنچه باید نوشته شود  
نوشته شده ولی در قلب مبارک اعلیحضرت مأر نگردیده  
چنان اندازه که باید فریاد کیهده شود کیهده شده ولی به



### وزارت معارف و فواید عامه

مورخه چهاردهم جمادی الاولی نمره ۲۵۲۷

دوره نیک بختی یازده نذر از محصلین علم طب و کاکه  
فارغ التحصیل از دبیره بهسار که دارالتون باجیلوی  
خارج می شوند بهرض مهاران محترم می رسند  
زحمت های بی پایان این نوبلوان وطن را نمیتوان به  
شرح و بیان بیرون آورد زیرا که تکمیل تحصیلات طبیه  
را منزل بس دور دراز است و اهل علم بخونی می  
دانند تا چه پایه ریخ زحمت باید بر خود هموار کرد تا  
بودی این و مقام امین علمی نایل شد در این موقع  
وزارت معارف تربیقات مسیما نه خود را این یازده نفر  
اقابان اظهار مچدارد و ضمناً تشکر می کنند که باعدم  
جهت ادب و لیاقت کار و نواقص امورات تمام و  
تطم در هر دوره شاکردان عالم فارغ التحصیل از  
دارالتون خارج شده انشاءالله بهمت اولیای امور دریا  
پیش تر از پیش بر تربیقات تحمیل به متعلمین فراهم و  
نذر معارف و علوم در ایران به نوع اکمل خواهد شد  
تجمله برای اطلاع عموم اهل مملکت و علمای این فن  
شریف ترتیب تحمیلات اقبان متعلمین را با نمره دویز  
های آنها بهرض می رسد که خاطر محترم همه خوانندگان  
محبوب شود

بتاریخ چهارشنبه دهم شهر جمادی اولی ۱۳۲۶ هـ

کوششهای حالت الا وجهه

صبح جمعه (۲۱) شهر ربیع الثانی در مساعت بدست  
مآذنه جناب شیخ محمد رضای حجة الاسلام رئیس انجمن  
ولایتی کردستان و سایر انجمن های آنجا که الحاق و جویندی  
بود ملت خواه مشروطه طلب و مجاهد فی سبیل الله به  
جوار حق پیوست و چون

ان وجود مقدس جزو مشرکین عظام جریده  
صیحه صادقی بود و در عالم مشروطه طلبی و نوع خواهی  
هم مقامات عالیه و خدمات غالبه را داشت لهذا محض  
اهدای حقوق ان وجود مقدس این است قصیده غرائی  
را که جناب فخرالجهادین و قدسوة الأنام آقای شیخ  
محمد جمال الدین امام جمعه و خطیب کربستان دست  
برگانه در مرتبه ایشان با اداره ارسال داشته اند عیناً  
درج نموده و از متفکرین عظام دستت می نماید که  
همواره ان وجود پرورد ملت خواه مشروطه طلب را  
از ادعیه خیره فارغ نگذارند

بسم الله تعالی

یا ساحی الهم فی التبرأ لی صل  
من اللدای حیکمه المراض الیهل  
بدر النشاط یترق اثم منخض  
و شمس عینی برب الکرک تنقل  
سیدری محیط صروف لا انعام لها  
امواجه الایف جنتاه اللل  
و فی الفؤاد حریق حکما لیت  
بروق کاطمة النظار یشتل  
و کلیا نحت الورقا علی قمم  
و کسا فی الوبائی یرحم الفزله  
من جور دورله یا دوران سال نمی  
و من لسوعک قد اصحاب الجبل  
این الاوهه و الاحیاب فی سلب  
و این اخراستا و السادة الاوله  
این الاحبه و الابهاء ما ستموا  
این التمسک این الشان و التخلی  
این الیهب الی قالوا جو الینا  
این الیهد و این القوم ما ضلوا  
ایه الطوارب و النور و ما ترکوا  
این الممارات و الامیلاک و اللال

مابقی دهسم ماه زوئن ۱۹۰۸ مبعی است دوره  
تخصیلات طبیه اقبال بانام ربهده اسامی معلمین محترم  
انها را هم اطلاعا با اسامی خود آنها می نویسد

معلمین محترم

دکتر بازیل مدنی طبیب دکتور زورز  
دکتر قله مهر جراحی  
محبوب دانشان معلم تاریخ طبیب  
معلم شبلی و فزیلی  
متعلمین که کلمه امتحان را داده اند و شهدان نامه در  
حضور وزرا عظام و وکلای فحاح و معلمین و اطیبانی  
محترم دار الخلافه و اکثری از رجال دانشمند بانها  
داده شده نمره امتحانیت سه ساله آنها از این قرار  
است

- (۱) آقا میرزا سید ابوالقاسم ولد جناب حاجی سید  
عبدالرسول قوام الحکما تمجید خوب ۱۷۲۵۲
  - (۲) آقا میرزا علی آقا حوزین السلطاسان ولد مرحوم  
میرزا احمد علی تمجید خوب ۱۷۲۳۴
  - (۳) آقا میرزا عیسی خان ولد جناب مبین الحکما  
تمجید خوب ۱۷۲۲۱
  - (۴) آقا میرزا سید حسین ولد جناب مستطاب آقا سید  
ابوالقاسم صدر العلماء مدانی تمجید خوب ۱۹۲۳۹
  - (۵) آقا میرزا محمد خان ولد جناب میرزا زین العابدین  
خان مؤتمن الایلیا تمجید خوب ۱۹۲۱۱
  - (۶) آقا میرزا عبدالعزیز ولد جناب میرزا خلیل الله  
طیب تمجید خوب ۱۹۲۰۴
  - (۷) آقا میرزا مصیح ولد جناب میرزا خلیل طیب  
تمجید متوسط ۱۵۲۸۵
  - (۸) آقا میرزا لقمان ولد مرحوم میرزا ابوب  
تمجید متوسط ۱۵۲۳۸
  - (۹) آقا میرزا سید شهاب ولد جناب فاطم الحکما  
تمجید متوسط ۱۵۲۰۱
  - (۱۰) آقا میرزا محمود خان ولد جناب فخریم امسالک  
تمجید متوسط ۱۵۲۴۲
  - (۱۱) آقا میرزا برهان ولد جناب مهندس امام الک  
تمجید متوسط ۱۴۲۵۱
- رضای

ابن الاقالیم والارمال کتب فتوا  
ابن الموائی و ابن الجبل والتل  
آء علیهم لمدافا لیری احد  
ضمیم و لم ینق فی اختلافهم رجیل  
قهل لذا البمد بعد البوء من صیلة  
و حل یلاقون یوماً هذه القبیل  
لقد رضینا معروف العصر کیف مضت  
علی الاحیة والاخوان اذ یبلوا  
ضمیم ابی ( حجة الاسلام ) ذوکرم  
شیخ ( محمد رضا ) بدرالوری پهل  
غوث غیاث مدار الشرع ذو ورج  
مولی الموالی روف خاشم و جل  
سدر الصدور سما المجد شمس هدی  
قلب النصاحة اوج الطلق مرهیل  
نجل الهدایة نسل السادة الفضلا  
نخل البیضاء مدار الی زعل  
صافی السریرة ممدوح الضاللی عذ  
فیوض الجیزان لامل العلم مکنتیل  
معبود العصر بالطلعات من صفر  
و نأشر العلم لا ینبیههم التکسل  
رئیس مجلس شوری التکرده عن شرف  
و فخر مشروطه الایران متقیل  
قد اترعت فحجته الافاق شیره  
و حام حول علاه العلم والعمل  
فزی تلاء فرق الترفیدین و قد  
من جاهه خجل المریح والزحل  
المکون یرفیه بالفضل والشرف  
سکذا و بسدحه الایاد والازل  
هبات ان مدرك الاوهام رتبه  
و سائ ان یأتی فی الدنیا له مثل  
قد کان رحلته فصل الیریسج و فی  
نأی الیریسجین بالمسیرت منتقل  
غسدية الجمیعه الجوزاء اولیها  
فکان یسکی علیه الثور والحمل  
هوالجدی والحوت والمنراء مع اسد  
تم السما کان خوالد الراس والنزل  
وکن ماکان فی الاکسوان قاطیة

وما یسکون بهم من فونه السل  
فاهترت النفس اذ قهلت مورخة  
( نجبا محمد رضا قد جاءه الاجل )  
و لفظ ( مغمور ) ایضاً ینحویه فز  
جوان بحساب مغموراً له أنزل  
فلقه برحسه یوم التیسور ویر  
ضاه و جنسات فردوس له نزل  
﴿ از پوشهر ﴾  
﴿ مجلس مقدس شوراهایی وزیر داخله ﴾  
﴿ وزیر خارجه وزیر قهارت صبیح ﴾  
﴿ صادق ندای وطن حقوق ﴾  
باز تجار باسعه مدیونى بخارجہ متحرک بہرکت انہا  
عسقد میخواستند مال التجاره ببیل خارجه از راه خشکی  
حل نمایند امروز قوفہ خارجه برأى مملکت سم قابل  
است اگر جلو کبری تشود ایرانیت را بدرد خوایم  
گفت صلاح مملکت داری در ازادی راه شیب و بستن  
راه خشکی است صدق و کذب این عرابیس را از تخمین  
ولایتی بنخواستید ( محمد رحیم )

﴿ خبر ﴾  
خبر نکار ما میگوید تا کفری از انجمن برو جرد بیروزی  
و صاحب متعیان سیلاخوری غنایره کردید خلاصه  
این این که از قرازی که بنجمن خبر رسیده شما ما  
بضد و مخالفت برآمده اید مقصر ملت و مجلس مقدس  
واقع شده اید لهذا فوراً از مجلس مقدس برائت ذمه  
تا اینوخوردن آن خطاب بنجمن برو جرد دستخط نکرتی  
تکلیفید جن و مال بیتسکان و خولوانده شما در معرض  
خطر است

﴿ از شاهزاد ﴾  
خبر اداره مینویسد طرق و شوارع بخلاف سابق خوب  
منظوم است و زوار و عابرین بسلاط میرند جناب سالار  
اکرم حکمدران شاهزاد و بسطام جدی فوق الاماده در دستنایات  
طریق دارد و از جناب شوکت نظام سرکرده بیوار التزام  
تأدین طریق را گرفته و مشار الیه هم صاحب متعیان جزو  
راہزاد نموده و دو سه ماه است کہ سالار اکرم بر حسب  
حکم جناب سبهدار آفوقه اردوی استراہاد را مرتباً محمد  
فرستد و خبی ملاحظه دارند کہ مبادا تسکی برای اردو  
حاصل شود